

## مبانی و شرایط تحقق تعهد به نجات طرف قرارداد و آثار آن در حقوق قراردادهای

محمدحسین وکیلی مقدم\*

### چکیده

تعهد به نجات، الزام حقوقی اشخاص به نجات سایرین از موقعیت زیان‌بار است. بر مبنای این الزام عدم اقدام شخص برای پایان دادن به وضعیت خطرآفرینی که دیگری در آن قرار دارد به مسئولیت شخص می‌انجامد حتی اگر نقشی در ایجاد این موقعیت نداشته باشد. در روابط قراردادی اگر تداوم چنین وضعیتی منجر به عدم اجرای قرارداد شود شخص ممتنع نیز مسئول نقض قرارداد خواهد بود. در این مقاله تلاش می‌شود شرایط اعمال و پذیرش تعهد به نجات دیگری از موقعیت زیان‌بار مالی مورد بررسی قرار گیرد و معلوم شود زمینه‌های اجرای تعهد به نجات و آثار آن در حقوق به‌ویژه در روابط قراردادی چیست؟ علاوه بر تبیین مبانی توجیهی تعهد به نجات و اشکال‌های وارده نسبت به آن، انطباق قاعده با ضوابط فقهی و حقوقی ایران نیز امکان‌سنجی خواهد شد. بر اساس تحلیل‌های بیان‌شده در این نوشته و نمونه‌هایی که از متون قانونی ایران ذکر می‌شود می‌توان پذیرفت تعهد به نجات در برخی فروض قراردادی بر اساس ارتکاز عرفی از مفهوم تقصیر و سببیت در حقوق ایران قابل اعمال است.

واژگان کلیدی: ترک فعل، تعهد به تعامل، سببیت، قصور، مسئولیت قراردادی.

---

\* استادیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران m.vakili@Yahoo.com

## سرآغاز

الزام حقوقی اشخاص به نجات سایرین از موقعیت‌های زیان‌بار، متناسب با رویکرد و مبانی هر نظام حقوقی از موضوع‌های چالش‌برانگیز است. در سال ۱۹۰۸، جیمز بار<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با طرح موضوع رابطه حقوق و اخلاق موقعیتی را تصویر می‌کند که در آن شخصی عابر قادر است با پرتاب طناب، فردی را از غرق شدن نجات دهد. مؤلف این سؤال را به پیش چشم خواننده مقاله می‌کشد که آیا عابر از نظر حقوقی تعهدی برای نجات دارد؟ سپس با ذکر رویکرد مشهور مبنی بر عدم تعهد به نجات، ارائه پاسخ دقیق حقوقی نسبت به چنین موقعیتی را غیرممکن دانسته و در عین حال اذعان می‌دارد حقوق نباید ندای وجدان و رفع نیازهای متعارف و معقول آدمی را نادیده انگارد (Barr, 1908: 108). در ۱۳ مارس ۱۹۶۴ زنی به واسطه حمله و تجاوز در نیویورک به قتل رسید. طبق تحقیقات، مردی ۳۸ ساله که شاهد صحنه بود علی‌رغم شنیدن درخواست کمک زن، اقدامی انجام نداد و حتی از تماس با پلیس نیز امتناع ورزید. در ۶ مارس ۱۹۸۳ در حادثه‌ای مشابه زنی به مدت یک ساعت از سوی چندین نفر مورد ضرب و جرح قرار گرفت. در این قضیه نیز افرادی که قادر به نجات قربانی بودند، هیچ اقدامی برای کمک به او انجام ندادند. در هر دو موضوع بر این امر تصریح شد که قاعده کلی در حقوق امریکا، عدم تعهد به نجات است (Prentice, 1985: 18). اما از همان ابتدا و با وقوع حوادث مشابه حساسیت افکار عمومی نسبت به موضوع، طرح مباحث دامنه‌دار حقوقی فراوانی را موجب شد که به تدریج مبانی قاعده مزبور را با چالش و تردید مواجه کرد. با گذشت زمان قلمرو قاعده به حقوق کیفری محدود نماند و فارغ از زمینه‌های وقوع جرم و تهدیدهای جانی، امکان‌سنجی اجرای این قاعده در گستره حقوق مدنی و روابط خصوصی یا قراردادی افراد نیز بر دامنه مباحث پیرامون قاعده افزود. اگرچه در قیاس با حقوق امریکا، اتحادیه اروپا با پذیرش قاعده تعهد به

1. James Barr.

نجات در خطرهای جانی از سال ۱۸۶۷ در پرتغال و بعد از آن به تناوب در اکثر کشورهای اروپایی،<sup>۱</sup> تردید کمتری نسبت به اعتبار این قاعده نشان داده، اما طرح مباحث مربوط به اجرای قاعده در موضوعات غیر کیفری در حقوق امریکا رواج بیشتری یافته است (Silver, 1985: 435).

علت این تفاوت را باید در اختلاف‌های مبنایی نظام‌های حقوقی پی‌جویی کرد که با توجه به پذیرش کارکردهای متفاوت حقوق در جامعه و یا بر اساس تحلیل‌های مختلف از امکان و میزان تحدید آزادی انسان بروز می‌کند (Eisenberg, 2002: 661; Miller, 2020: 322; Reckseen, 1972: 321). بر مبنای همین تحلیل، در زمینه‌هایی مانند حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق دریایی و حقوق مهاجرت به علت مشابهت و قرابت بیشتر مبنای حقوقی کشورهای مختلف، اجرای قاعده و تحلیل زمینه‌های اجرایی آن با چالش کمتری مواجه شده است (Ray, 2020: 622).

در ایران قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی (مصوب ۱۳۵۴) به مخاطرات جانی و تکلیف اشخاص به رفع آن اختصاص یافته است (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷: ۲۶۲). همچنین به نظریه نجات در مسئولیت مدنی نیز توجه شده است (صادقیان و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲۱) اما آنچه موضوع بررسی این مقاله است نجات دادن دیگری از موقعیتی زیان‌بار است که تداوم آن منجر به نقض قرارداد شده و زیان مشترک مالی را در پی خواهد داشت در حالی که طرف قرارداد قادر بوده است بدون صرف هزینه و یا انجام رفتار غیرمعارف، تداوم وضعیت فوق را پایان دهد؛ بنابراین، این مقاله اثر تعهد به نجات را در مسئولیت قراردادی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بر این اساس با تبیین مفهوم و شرایط اعمال قاعده از نگاه موافقین، تردیدها و چالش‌های مبنایی آن ارزیابی شده و تلاش می‌شود امکان استناد به این قاعده در روابط

۱. هلند (۱۸۸۱)، فنلاند و ایتالیا (۱۸۸۹)، نروژ (۱۹۰۲)، روسیه (۱۹۰۳)، ترکیه (۱۹۲۶)، دانمارک (۱۹۳۰)، لهستان (۱۹۴۸)، یونان (۱۹۵۰)، بلغارستان (۱۹۵۱)، یوگسلاوی (۱۹۵۱)، آلبانی (۱۹۵۲)، سوئیس (۱۹۵۷)، اسپانیا (۱۹۶۰) و بلژیک (۱۹۶۱) این قاعده را در حقوق پذیرفته‌اند.

قراردادی مورد بررسی واقع شود. در ادامه با آگاهی از موارد فوق، موضوع با فقه و حقوق ایران تطبیق داده می‌شود و موضع قوانین ایران نیز نسبت به آن تبیین و تحلیل خواهد شد و با ذکر نمونه‌هایی از قوانین مطالب به ارائه مبانی و تحلیل اصول محدود نخواهد ماند.

### ۱. مفهوم تعهد به نجات و زمینه‌های طرح آن در حقوق

بحث تعهد یا عدم تعهد به نجات در جایی مطرح می‌شود که شخصی در موقعیتی زیان‌بار قرار می‌گیرد؛ در حالی که فردی دیگر قادر است بدون صرف نظر کردن از یک منفعت یا فایده مشروع خود و بی‌آنکه ریسک و یا هزینه‌هایی غیرمتعارف را متحمل شود با انجام رفتاری معقول و متعارف مانع از بروز زیان شود (Hayman, 1994: 675; Eisenberg, 2018: 133). اگرچه از نظر اخلاقی، مذهبی و وجدانی تردید چندانی در توجیه تعهد به نجات در چنین موقعیتی وجود ندارد<sup>۱</sup> (محمدپور، ۱۳۹۹: ۴۳؛ غفاری فارسانی، ۱۳۸۷: ۷۳)، اما از نظر حقوقی چالش‌های فراوانی در مورد آن ایجاد شده است. عدم تعهد به نجات به‌عنوان قاعده ابتدا در مسئولیت مدنی و حقوق کیفری مطرح شد و با توجه به اهمیت موضوع، ابتدا به آثار ترک نجات جان دیگران اختصاص یافت (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷: ۱۴۹)؛ بر اساس رویکرد مشهور، حقوق‌دانان با تفکیک رفتارهای دارای ربط اخلاقی<sup>۲</sup> از رفتارهای حقوقی و اذعان به اینکه حقوق نباید ضرورتاً ارتکاب هر رفتار غیراخلاقی را دارای ضمانت‌اجرا کند، بر این امر تصریح می‌کنند که آنچه

۱. از میان حجم انبوهی از روایات مرتبط با موضوع در اسلام به موارد زیر بسنده می‌شود: عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى تَوَائِبِكَ وَلَا أَرْضِي لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ، (مجلسی، ۱۴۲۰، ۳۱۲)؛ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ. (مجلسی، ۱۴۲۰، ج ۷۴: ۳۳۷). در مسیحیت نیز آموزه‌های پاپ، اعضای یک جامعه را همانند اعضای یک خانواده قلمداد می‌کند و کمک به دیگران را مصداقی از مروت (Mercy) عنوان می‌کند (Uelmen, 2017: 1366).

2. Ethical Relevance.

موجب تحقق مسئولیت حقوقی می‌شود، بروز رفتار و اقدام‌هایی است که «تقصیر»<sup>۱</sup> محسوب می‌شود (Kelly, 2010: 271). در این رویکرد هیچ‌یک از شهروندان تعهدی نسبت به نگهداری از مال و یا مراقبت از منافع سایرین ندارند، زیرا در جوامع دموکراتیک این تعهد به دولت و نهادهای حاکمیتی واگذار شده است (Hayden, 2000: 756; Ripstein, 2000: 33). افزون بر این، نباید بر اساس معیار شخصی ارائه تحلیل کرد، زیرا همواره از منظر نجات‌یافته، تعهد سایرین به نجات او امری مطلوب است، بلکه آنچه ضروری است توجیه‌پذیری تعهد به نجات از منظر نوعی است (Reckseen, 1972: 321). به همین علت در امریکا نجات پناه‌جویان غیرقانونی، نه تنها الزامی نیست بلکه خود عملی مجرمانه قلمداد شده است.<sup>۲</sup>

نجات به معنی هر نوع اقدامی است که به قصد محافظت از دیگری و رهایی او از موقعیت خطرآفرین و زیان‌بار انجام می‌شود، فارغ از اینکه اقدام‌های شخص منجی عملاً به نتیجه مطلوب منجر بشود یا خیر. به دیگر سخن، با فرض پذیرش مبانی، تعهد به نجات را باید از نوع «تعهد به وسیله» دانست که در تحقق آن قابلیت مؤثر شدن اقدام‌های نجات‌دهنده کفایت می‌کند (Bauhn, 2011: 39; Kuklin, 2016: 172). در این معنا، نجات مستلزم اقدام‌هایی عینی است که شخص به قصد یاری‌رساندن به دیگری و پایان دادن به موقعیت نامطلوب انجام می‌دهد. در نتیجه متناسب با موقعیت خطرآفرین، اقدام‌هایی که برای پایان دادن آن صورت می‌گیرد نیز متفاوت خواهد بود. اگرچه با در نظر گرفتن گزاره‌های اخلاقی ممکن است افراد در مقام نجات‌دیگری، خود متحمل زیان و خسارت مالی یا غیرمالی شوند اما زمینه طرح تعهد به نجات در جایی است که هزینه‌های نجات در قیاس با خسارات حاصل از عدم اقدام، کمتر باشد؛ بنابراین اگر هزینه‌ها یا خطرات احتمالی نجات برای شخص نجات‌دهنده بیش از خسارات حاصل از عدم نجات برای شخص در خطر باشد، حتی در نگاه پیروان قاعده تعهد به نجات

1. Negligence.

2. Federal Harboring Statute, S. 1324. Available at: [https://www.law.cornell.edu/us\\_code/text/8/1324](https://www.law.cornell.edu/us_code/text/8/1324). 12/2/2020

نیز، الزام حقوقی وجود نخواهد داشت (Eisenberg, 2002: 652). منجیان به سه نوع حرفه‌ای<sup>۱</sup>، داوطلب<sup>۲</sup> و غیر متخصص<sup>۳</sup> تقسیم شده‌اند که در مورد نوع اول اختلافی در وجود تعهد به نجات نیست؛ اما در دو مورد دیگر، تفاوت نگرش‌های حقوقی پابرجا است (Dingwall & Gillespie, 2008: 27). گفتنی است با تحقق شرایط پیش‌گفته زمینه طرح مباحث تعهد به نجات فراهم است و هیچ‌یک از موضوع‌های حقوقی از دایره شمول بحث خارج نیست. به همین علت برخی از مؤلفین با طرح اصطلاح «حقوق نجات»<sup>۴</sup> در مقام تبیین اصول و ضوابطی کلی برآمده‌اند که قلمرو تعهد به نجات را در تمام موضوع‌ها و زمینه‌های حقوقی مانند حقوق بین‌الملل عمومی<sup>۵</sup>، حقوق مهاجرت، حقوق دریاهای<sup>۶</sup>، حقوق کیفری و حقوق خصوصی مشخص می‌کند (Ray, 2020: 622).

تعهد به نجات را نباید با آنچه به‌عنوان «تعهد به همکاری»<sup>۷</sup> یا «تعهد به هماهنگی»<sup>۸</sup> طرفین قرارداد شناخته می‌شود یکسان دانست، زیرا با وجود برخی اصول مشترک مانند حسن نیت یا لزوم انجام رفتار متعارف، تعهدهای فوق در جایی مطرح می‌شود که قرارداد، منعقد شده و اجرای تعهدهای قراردادی جز با همکاری و تعامل متعهدله ممکن نیست (یوسف‌زاده، رستم‌زاد اصلی و میریان، ۱۳۹۹: ۲۷۱)؛ مانند لزوم تعامل بیمار در انجام تعهدات پزشک در قرارداد درمان (شعاریان و مولائی، ۱۳۹۰: ۱۱۰). در

۱. منجی حرفه‌ای (Professional Rescuer) فردی است که استخدام شده است تا از توان و تخصص خود برای نجات دیگران استفاده کند؛ مانند مامورین آتش‌نشانی.

۲. منجی داوطلب (Voluntary Rescuer) شخصی است که در موقعیت شغلی قرار ندارد اما دارای تخصصی مؤثر در رفع خطر است؛ مانند پزشکی که در سفر تفریحی خود با یک بیمار مواجه می‌شود.

۳. منجی غیرمتخصص (Lay Rescuer) به معنی عموم افراد جامعه است که شامل دو نوع فوق نیست.

4. The law of Rescue.

۵. در این زمینه بنگرید به قطع‌نامه شماره ۱۶۷۴ شورای امنیت و:

The General Assembly, 2005 World Summit Outcome, 138, U.N. Doc. A/60/L.1 (Sept. 20, 2005).

6. United Nations Convention on the Law of the Sea, Art. 98, U.N. Sales No. E.83.V.5; Brussels Salvage Convention of 1910, Art.11.

7. Duty to Co-operation, Unidroit Principles of International Commercial Contracts, Art. 5.1.3, Principles of European Contract Law, Art.1-202.

8. Duty to Consistency, Guiding Principles of European Contract Law, Art. 0-304.

حالی که تعهد به نجات، شامل فروضی است که اجرای تعهد وابسته به تعامل و همکاری متعهدله نبوده و بدون آن نیز قابلیت اجرا خواهد داشت. در این فرض، وضعیتی بدون مداخله متعهدله ایجاد شده است که تداوم آن به عدم اجرای تعهد منجر می‌شود در حالی که او قادر است موقعیت مزبور را خاتمه داده و زمینه‌ساز اجرای تعهد شود. افزون بر این بیان شده است تعهد به همکاری در مورد قراردادهای فوری قابل اجرا نبوده و تعهدهای بلندمدت را در برمی‌گیرد (شعاریان و مولائی، ۱۳۹۰: ۱۱۹)، در حالی که تعهد به نجات از این نظر دارای اطلاق است.

همچنین با وجود برخی مشابهت‌های مبنایی، تعهد به نجات را نباید با قاعده «تقلیل خسارت»<sup>۱</sup> یکی دانست، زیرا قاعده تقلیل خسارت در فرضی طرح می‌شود که به واسطه نقض قرارداد یا تعهد قانونی خسارتی واقع شده است و بر مبنای قاعده، زیان‌دیده موظف به انجام اقدام‌های متناسب برای کاهش خسارت است (شعاریان، مولایی، ۱۳۹۲: ۴۰)، در حالی که تعهد به نجات صرفاً منحصر به نقض عهد نبوده و زمینه اجرای آن به پیش از نقض و تعدی حقوقی ارتباط می‌یابد که زمینه‌ساز جلوگیری از بروز مسئولیت دیگری است. تفاوت دیگر اینکه قاعده تقلیل خسارت، در راستای کاهش خسارات وارده به خود شخص است در حالی که تعهد به نجات از این نظر نیز اعم بوده و شامل مساعدت جهت جلوگیری از بروز خسارت به دیگری نیز می‌شود. به دیگر سخن، قاعده تقلیل خسارت در جایی مطرح می‌شود که خسارت محقق شده است و زیان‌دیده قادر بوده با انجام اقدام‌هایی میزان خسارات وارد آمده به خویش را کاهش دهد؛ بنابراین در چنین موقعیتی مبنای قاعده، توجیه الزام زیان‌دیده برای جلوگیری از گسترش دامنه خسارتی است که به صورت بالفعل ایجاد شده است؛ اما تعهد به نجات، تبیین الزام شخص به انجام اقدام‌هایی متناسب برای رهایی‌دین دیگری از موقعیتی است که تداوم آن به نقض عقد می‌انجامد؛ بنابراین، مفاد این قاعده اقدام‌هایی پیش‌دستانه در راستای جلوگیری از بروز نقض قرارداد و خسارت حاصل از آن است.

1. Mitigation of Damages.

در نهایت، باید دانست اگرچه پذیرش تعهد به نجات مستلزم انجام اقدام‌هایی است که به واسطه جلوگیری از نقض قرارداد و تحقق مسئولیت حقوقی، نفع متعهد را در پی دارد؛ اما با توجه به مزیت انجام به موقع تعهد و جلوگیری از بروز منازعه حقوقی، نفع غیرمستقیم آن برای شخص متعهدله نیز محقق خواهد شد. به همین علت نمی‌توان قلمرو شمول و ماهیت تعهد به نجات را با «احسان» در فقه یکی دانست، زیرا قدر متیقن احسان، اقدام‌ها و افعالی است که به قصد نفع رساندن به دیگری انجام می‌شود. بر همین اساس احسان، ضرورتاً از نظر عرفی ستودنی است بی‌آنکه برای شخص ایجاد الزام کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۶۰)، در حالی که اطلاق عنوان احسان به تعهد به نجات، از یک سو به واسطه تحقق نفع متعهدله ولو به صورت غیرمستقیم محل تردید است و از سوی دیگر، مبانی موضوع در مقام توجیه التزام متعهدله و تعیین تعهدی برای او در قلمرو مسئولیت قراردادی است در حالی که احسان عملی خیرخواهانه و فارغ از الزام یا التزام حقوقی است. بر همین اساس تحقق احسان با وجود اختلاف نظر، می‌تواند به حمایت از شخص و رفع ضمان او منجر شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۶۳)؛ اما نتیجه عدم پایبندی به تعهد به نجات، مقصر قلمداد شدن شخص و تحقق مسئولیت او است.

به دیگر سخن، طبق دیدگاه مشهور قاعده احسان با فرض پذیرش، از مسقطات ضمان است (ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲). به همین علت به شکل معمول مواردی چون اداره فضولی مال غیر و یا اضرار به غیر به واسطه رفع ضرر از ثالث در موقعیت اضطراری، از مجاری استناد به این قاعده قلمداد می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۴۴). افزون بر این، شخص بهره‌مند از احسان دیگری ملزم به جبران خسارات یا هزینه‌های وارد آمده به شخص محسن است (نصوری، ۱۳۹۸: ۹۸). در حالی که تعهد به نجات، چنانکه از نام آن نیز برمی‌آید در مقام اثبات الزام حقوقی برای اشخاص است. در نتیجه برخلاف قاعده احسان، این نظریه تبیین یکی از موجبات مسئولیت حقوقی اشخاص است.



## ۲. ایرادها و مبانی توجیهی قاعده تعهد به نجات

پذیرش یا رد تعهد به نجات به عنوان یک قاعده مبتنی بر برخی تفاوت‌های مبنايي در مورد نگرش به قلمرو آزادی اراده و گستره مداخلات حقوقی در تحدید آن است که همراه با برخی ملاحظات اقتصادی به طرح استدلال‌هایی حقوقی منجر شده است که در احکام روبنایی، قوانین و نظریات مرتبط به مسئولیت قراردادی رخ می‌کند. بر این اساس مهم‌ترین ایرادها و پاسخ‌های ارائه‌شده نسبت به اعتبار و آثار تعهد به نجات را می‌توان به شرح زیر صورت‌بندی کرد:

### ۱-۲. تردید در امکان تحدید آزادی‌های فردی

ایراد اول بر مبنای «فردگرایی»<sup>۱</sup> به عنوان رویکرد فلسفی مقبول در کامن‌لا مطرح شده است که بر اساس آن با ترجیح منافع شخصی، ایجاد هر نوع محدودیت نسبت به آزادی اشخاص و الزام‌آفرینی حقوقی برای آن باید به عنوان امری استثنایی محسوب شده و در جایی اعمال شود که از مبانی توجیهی متقن برخوردار باشد؛ در حالی که در مورد لزوم نجات سایرین چنین توجیهی وجود ندارد (Justin, 1983: 256; Franklin & Ploeger, 2000: 1033). سرچشمه‌های این تحلیل را باید در مبانی فکری نظریه‌پردازان لیبرالیسم مانند جان لاک و جان استوارت میل پی گرفت (لاک، ۱۳۹۲: ۲۵؛ استورات میل، ۱۳۹۵: ۶۵) که در صورت‌بندی فلسفه حقوق انگلوامریکن<sup>۲</sup> مؤثر افتاده است. بر اساس این مکتب فکری ارزش بنیادین در جامعه مدرن، آزادی اشخاص است که حد آن اضرار نامشروع به غیر است. حقوق نمی‌تواند اشخاص را به نفع رساندن به دیگری الزام کند؛ به همین علت بیان شده است ماهیت حقوق، سلبی است یعنی کارویژه آن نهی از تعدی و تجاوز به حقوق سایرین است و مادامی که رفتار یک شخص مصداق بارز تجاوز به منافع دیگران نیست، ایجاد تعهد و الزام حقوقی امکان‌پذیر نخواهد بود (Hayman, 1994: 676; Kelly, 2010: 282). افزون بر این مراقبت از منافع و اموال هر

1. Individualism.

2. Anglo- American.

شخص، تکلیف عقلانی خود او است و نباید آن را به سایرین واگذار کرد که این، خود به معنی فروکاستن از جایگاه هنجارهای بنیادین جامعه و حتی ترویج مداخله در حوزه شخصی دیگران است (Ripstein, 2000: 759). به تعبیر کانت، مواردی چون یاری رساندن به سایرین یک تعلیم اخلاقی و اجرای آن عملی فضیلت‌مندانه است و نمی‌توان ماهیتی حقوقی برای آن قائل شد (کانت، ۱۳۸۸: ۵۳)؛ بنابراین از آنجا که شخص در معرض خطر نسبت به سایرین حقی بر نجات یافتن ندارد، الزام سایرین نیز به این امر و یا مطالبه خسارت به علت امتناع از نجات، غیرممکن است، زیرا «حق و قدرت الزام متصل به هم‌اند» (کانت، ۱۳۸۸: ۶۷).

امروزه با تکیه بر مفهوم «جمع‌گرایی»<sup>۱</sup> قوت و جزمیت مباحث فوق حتی در کشورهای انگلوساکسن رنگ باخته است (غفاری فارسانی، ۱۳۸۷: ۳۲). در نگاه جدید، حقوق نیز هم‌داستان با سایر علوم اجتماعی به جای تقدیس آزادی فردی به‌عنوان یک ارزش خدشه‌ناپذیر و مخدوم، به وابستگی انسانی<sup>۲</sup> اهمیت می‌دهد و در راستای حفظ نظام اجتماعی، تعامل بشری و نزدیکی به اخلاق، آزادی فردی را ذاتاً امری تحدیدشونده قلمداد می‌کند (Prentice, 1985: 65). به‌ویژه در کشورهای اروپایی با تأکید بر وجدان عمومی، استناد به حسن نیت<sup>۳</sup> یکی از مبانی محدود کردن آزادی قلمداد شده است (Kelly, 2010: 293). در این رویکرد، کارکرد حقوق اصالتاً تحدید آزادی انسان است و تمام سخن در این است که با وجود نفع عمومی، ارتقای همبستگی اجتماعی و به‌پشتوانه ارتکاز عرفی از مفهوم مسئولیت در این فرض، الزام حقوقی توجیه‌پذیر است (Carter, 2010: 143; Lifshitz, 2008: 316). برخی از مؤلفین، با تأکید بر همین مبنای فکری، معتقدند اثر تحقق قرارداد اجتماعی صرفاً در رابطه بین حاکمیت و شهروندان نیست بلکه هر یک از شهروندان نیز در قبال هم به میزان متعارف، مسئولیت مراقبت خواهند داشت. این کنشگری مبتنی بر هنجار است که مبنای اصلی شکل‌گیری جامعه

1. Collectivism.

2. Human Interdependence.

3. Good Samaritan.

است. افزون بر این، هر شهروند باید به میزان توان خود حاکمیت را در مراقبت از منافع اعضای جامعه یاری رساند، زیرا منفعت جامعه چیزی غیر از مجموع منافع شهروندان آن نیست (Hayman, 1994: 697). بنابراین «جامعه‌پذیری»<sup>۱</sup> اقتضا می‌کند در وضعیتی که می‌توان با اقدامی مؤثر دیگری را از زیان جانی و یا مالی رهانید، در پاسخ به احساسات جمعی و وجدان عمومی، تعهد به نجات را پذیرفت. گستره مقبولیت این تحلیل، گزاره‌های اخلاقی است که مقبولیتی عام و فراتر از نظام‌های حقوقی دارد (Miller, 2020: 323). نشانه‌های تأیید این رویکرد در مبانی انسان‌شناسی اسلامی نیز قابل رؤیت است؛ در اسلام نیز اعضای یک جامعه به‌عنوان یک مجموعه مرتبط به هم قلمداد می‌شوند که به‌عنوان «امت واحد»، نباید نسبت به سود و زیان یکدیگر مطلقاً بی تفاوت باشند. به همین علت علاوه بر پذیرش ترک فعل مبتنی بر تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت در فقه، ترک تحفظ به‌عنوان نادیده گرفتن زیان دیگران و اهمال نسبت به وضع سایر اعضای جامعه از نظر اسلامی مذموم قلمداد شده است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۵۲). حقیقتی که نشان می‌دهد در مبانی کلامی فقه، امکان محدود کردن آزادی اشخاص، در راستای حفظ مصالح عالی از ابتدا با تردید چندانی مواجه نبوده است.

آنچه باید مدنظر داشت اینکه در زمینه تعهدهای قراردادی، امتناع شخص از یاری رساندن به طرف قرارداد و نقض عقد به این علت، مطالبه جبران خسارات حاصل از عدم اجرای قرارداد را با تردید فراوان مواجه ساخته است، زیرا در این فرض شخص به‌واسطه امتناع و عدم اقدام، خود نیز متحمل زیان شده است (Eisenberg, 2002: 652)؛ بنابراین تردیدهای اخلاقی مربوط به امکان تحدید آزادی اشخاص در اجرای قاعده تعهد به نجات در روابط قراردادی زمینه بروز نخواهند یافت؛ چراکه اقدام شخص به نجات دیگری و پایان موقعیت زیان‌بار اگرچه در بادی امر و به شکل مستقیم به نفع طرف مقابل است و مانع از مسئولیت او خواهد شد؛ اما به صورت غیرمستقیم نفع خود شخص را نیز محقق می‌سازد. تمام سخن پیروان این قاعده در این است که مفاد آن

منطبق با انتظارات، از یک انسان متعارف و منطقی است. در نتیجه هر انسان خردورز برخوردار از حداقل معیارهای رفتاری متعارف، عدم اقدام و بی‌عملی متعهدانه را در بستر اجرایی نظریه تعهد به نجات، امری مذموم و به دور از منطق قلمداد می‌کند که از نظر حقوقی تقصیر قلمداد می‌شود. همین تحقق نفع شخص به واسطه اقدام به نجات دیگری، سبب می‌شود عمل او فضیلت اخلاقی محسوب نشده و الزام او به انجام نجات مغایرتی با هیچ‌یک از جنبه‌های آزادی فردی نداشته باشد.

## ۲-۲. تردید در تبعات اقتصادی و تحقق کارآمدی

آثار و تبعات اقتصادی تعهد به نجات نیز مورد بررسی قرار گرفته است؛ بر اساس دیدگاهی که مبتنی بر تحلیل‌های حقوق اقتصادی طرح شده است تعهد به نجات، انجام اقدام‌های پرریسک را کاهش می‌دهد، زیرا اشخاص با اطلاع از ملزم بودن به نجات سایرین کمتر خود را در موقعیتی قرار می‌دهند که احتمال بروز و اعمال این تعهد ایجاد شود. در نتیجه عملاً مصادیق و زمینه‌های نجات کاهش می‌یابد. اعمال این قاعده در بلندمدت، منافع اقتصادی جامعه را کاهش خواهد داد، زیرا نوعی محدودیت در انجام اقدام‌های پرخطر به وجود می‌آورد (Grush, 1998: 881; Kelly, 2010: 280). به نظر می‌رسد تردید فوق صرفاً از منظر نجات‌دهندگان احتمالی مطرح شده است؛ اما با یادآوری این امر که هر شخص می‌تواند بالقوه به‌عنوان نجات‌یافته موضوع این قاعده باشد، باید گفت از دیدگاه نجات‌یافته، با پذیرش قاعده امید به نجات از سوی سایرین افزایش می‌یابد و تعهد به نجات بی‌آنکه مجوزی برای اهمال و بی‌احتیاطی باشد، زمینه انجام اقدام‌های پرریسک را فراهم می‌آورد. تجربه عملی هم اثبات کرده است بهره‌وری اجتماعی و نفع عمومی با پذیرش این قاعده افزایش می‌یابد (Romohr, 2006: 1037)؛ بنابراین پذیرش این قاعده از آنجا که منافی اختصاصی یا انحصاری برای گروهی خاص ندارد و تمام شهروندان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، علاوه بر انطباق با

گزاره‌های اخلاقی، با مبانی «فایده‌گرایی»<sup>۱</sup> نیز منطبق بوده و به افزایش بهره‌وری منجر می‌شود (Grush, 1998: 887; White, 2002: 513; Scordato, 2008: 1456).

## ۲-۳. تردید در تحقق رابطه سببیت

اختلاف در مبانی، تفاوت در تحلیل‌های حقوقی را موجب شده است که مهم‌ترین آن تفاوت در تبیین مفهوم سببیت است. اگرچه برای تحقق مسئولیت حقوقی، ضرورت وجود رابطه سببیت بین رفتار افراد و خسارات ایجادشده تردیدناپذیر است، اما تردیدها و اختلاف نظرهای حقوقی در تحلیل معیار و مؤلفه‌های شکل‌گیری سببیت در حدی است که برخی از مؤلفان از آن با عنوان «معضل سببیت»<sup>۲</sup> در حقوق یاد کرده‌اند (Justin, 1983: 267). آنچه مسلم است اینکه بروز هر رفتار ایجابی که مستقیماً در ایجاد وضعیت موردنظر نقش‌آفرینی کند، رابطه سببیت را محقق می‌کند؛ اما درباره سببیت منفی<sup>۳</sup>، به معنی امکان انتساب یک خسارت، پدیده یا وضعیت به ترک فعل و عدم اقدام شخص دیگر، تردیدهای جدی مطرح شده است؛ مخالفین قاعده تعهد به نجات با تفکیک بین قصور (تفریط)<sup>۴</sup> و عدم اقدام (ترک فعل)<sup>۵</sup> بیان می‌دارند آنچه موجب مسئولیت است، قصور به معنی عدم انجام تکلیف قانونی است که خود چهره‌ای از تقصیر است اما صرف ترک فعل به معنی عدم انجام اقدام مؤثر، حتی اگر آن اقدام مانع از بروز خسارت یا وضعیت نامطلوب می‌شده است موجب مسئولیت شخص نخواهد شد (Kelly, 2010: 273). به دیگر سخن، کمک نکردن به سائرین در فرضی که شخص خود باعث ایجاد موقعیت خطرآفرین و زیان‌بار نشده است نقض هیچ تعهد قطعی قانونی<sup>۶</sup> نیست، زیرا چنین ترک فعلی به معنی اضرار به غیر نیست تا موجب مسئولیت شود بلکه به معنای نفع نرساندن به دیگران است و این بی‌عملی، هیچ مسئولیتی از نظر

1. Utilitarianism.
2. The Problem of Causation.
3. Negative Causation.
4. Misfeasance.
5. Nonfeasance.
6. Affirmative Obligation.

حقوقی ایجاد نمی‌کند (Ripstein, 2000: 753; Kelly, 2010: 273). بر اساس این رویکرد که نشانه‌هایی از آن در برخی تألیفات فارسی نیز یافت می‌شود (موحد، ۱۳۹۹: ۲۱۷) و بعضی متون حقوقی مانند ماده ۱۰۱-۳ «اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی»<sup>۱</sup> نیز آن را بازتاب داده است «سبب»، فعالیت یا رفتاری است که اگر انجام نمی‌شد خسارت به وقوع نمی‌پیوست نه اینکه اگر انجام می‌شد، مانع از بروز خسارت می‌شد (میرشکاری و صمدی، ۱۳۹۵: ۵۷).

در مقابل بیان شده است اظهارات فوق معیاری مؤثر برای حل منازعه تعیین نمی‌کند، زیرا هنوز مشخص نشده است در چه مواردی عدم اقدام مصداق تقصیر است و در چه صورتی صرفاً ترک فعل ساده محسوب می‌شود؛ بنابراین رد تعهد به نجات به‌عنوان قاعده بر اساس استدلال فوق، در واقع مصادره به مطلوب است (Dingwall & Gillespie, 2008: 29; Romohr, 2006: 1037). حتی در محاکم کامن‌لا نیز از قرن ۱۴، فعل سلبی به‌عنوان سبب مورد پذیرش قرار گرفت، زیرا در تحقق سببیت آنچه ملاک است بروز «تقصیر» است که مبنای شکل‌گیری آن تحلیل عرفی است (Hayman, 1994: 85). همان‌گونه که در ماده ۹۵۲ قانون مدنی ایران نیز تصریح شده ترک فعلی که متناسب با شرایط، رفتار متعارف و معقول محسوب نشود تقصیر خواهد بود و از این نظر تفاوتی بین فعل سلبی و ایجابی نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۹۴)؛ بنابراین فارغ از اینکه بتوان برای تعهد به نجات به‌عنوان قاعده مبنایی تعیین کرد، استدلال مبنی بر عدم امکان تحقق مسئولیت بر اساس فعل سلبی از نظر حقوقی مقبول نیست و با غلبه رویکرد عرفی در تحلیل رابطه سببیت و احراز انتساب، ضرورتی به انجام فعل زیان‌بار به شکل ایجابی نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۴۸۰، جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۵۱؛ یزدانیان، ۱۳۹۵: ۵۶؛ زمانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۵۳۸). در حقوق ایران مواد متعدد مانند ۳۳۳ قانون مدنی، ۵۱۹، ۵۲۲ و

1. Principles of European Tort Law, Art. 3:101 : « An activity or conduct (hereafter: activity) is a cause of the victim's damage if, in the absence of the activity, the damage would not have occurred», available at: <http://www.egt.org/petl.html>, 12/7/2020

۵۲۴ قانون مجازات اسلامی با پذیرش همین رویکرد معیار مندرج در ماده ۹۵۲ قانون مدنی را با مصادیق مختلف تطبیق کرده‌اند. وانگهی، در روابط قراردادی عدم نجات دیگری به زیان متعهدله منجر شده و اختیار او در مطالبه خسارت حاصل از نقض قراردادی که می‌توانسته با اقدام متعارف خود مانع از بروز آن شود، زمینه پذیرش تعهد به نجات را توجیه‌پذیرتر می‌کند. با پذیرش این رویکرد، تحلیل مسئولیت قراردادی بر مبنای ارزیابی عرفی به‌عنوان امری مطلوب محقق می‌شود که با ظرفیت‌های قانونی حقوق ایران نیز دارای انطباق است، زیرا در تعیین مسئول نقض قرارداد، مفهوم عرفی تقصیر مدنظر قرار می‌گیرد.

### ۳. تبیین اصل و استثناء در تعهد به نجات

توجهات حقوقی در پذیرش تعهد به نجات مؤثر شد و امروزه هم‌سو با گزاره‌های اخلاقی بسیاری از نظام‌های حقوقی اقدام به تبیین موضوع و ضابطه‌مند کردن آن کرده‌اند. با این همه چالش‌های نظری و صعوبت‌های اجرایی همچنان باقی است. بر همین اساس و در مقام جمع نظرهای مختلف، همچنان اصل اولیه «عدم تعهد به نجات» است جز در مواردی که استثنای بر این قاعده مورد پذیرش قرار گرفته است. هر یک از مصادیق استثناء بر مبنای پذیرش رفتار یک انسان متعارف و به رسمیت شناختن «حق» به‌عنوان یک مفهوم ارزش‌مدارانه است (Woolley, 1983: 1300; Scordato, 2008: 1457; Eisenberg, 2002: 650; Carter, 2010: 141) که «در هر حال توجیه خود را در فراتر از قانون می‌طلبد» (موحد، ۱۳۹۹: ۲۴۱). فارغ از بر مواردی که قانون‌گذاران به صراحت تعهد به نجات را پذیرفته و الزامی اعلام کرده‌اند<sup>۱</sup> مصادیق استثنای بر قاعده به شرح زیر است:

۱. به‌عنوان مثال در حقوق آمریکا بر اساس مواد ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ قانون وسایل نقلیه کالیفرنیا (California Vehicle code) راننده ملزم شده است در صورت تصادف، مصدوم را به محل درمان برساند حتی اگر در تصادف مقصر نباشد. برای دیدن پذیرش تعهد به نجات در قوانین ایالتی آمریکا بنگرید به:

### ۳-۱. وجود رابطه خاص

در صورتی که شخصی به واسطه قرارداد یا به حکم قانون از مزایای مالی رابطه حقوقی با دیگری بهره‌مند شود و یا رابطه با دیگری از نظر عرفی شاخص و متمایز از سایرین باشد به نحوی که عرفاً وجود ارتباط نزدیک‌تر و خاص میان افراد محرز شود، تعهد به نجات محقق خواهد شد (Prentice, 1985: 23). علاوه بر متون حقوقی<sup>۱</sup> در پرونده‌های مختلف رابطه بین متصدی حمل‌ونقل و مسافر<sup>۲</sup>، کارفرما و کارگر<sup>۳</sup>، میزبان و میهمان<sup>۴</sup> و معلم و دانش‌آموز<sup>۵</sup> مشمول این عنوان قلمداد شده‌اند. به نظر می‌رسد منظور از رابطه خاص، ارتباطی است که به موجب آن بر اساس اوضاع و احوال و متناسب با معیار رفتار انسان متعارف، از سوی قاضی وجود تعهد به نجات احراز می‌شود؛ بنابراین مصادیق فوق فاقد جنبه احصایی‌اند (Ray, 2020: 634): یعنی هر وضعیت حقوقی که به موجب آن رابطه افراد فراتر از ارتباط با سایر اعضای اجتماع، به گونه‌ای شکل بگیرد که بر اساس تحلیل

MAss. GEN. LAws. ANN. ch. 268, VT. STAT. ANN. Tr. 12, § 519 (1967),

18 PA. §40 (December 1983) (در ایالت ماساچوست)، R.I. GEM. LAW §11-37-3.1. (در رودآیلند)،

CoNs. STAT. §5105 (1983) (در پنسیلوانیا) و در سایر کشورها: ماده ۵۹۳ قانون مجازات ایتالیا:

<https://www.altalex.com/documents/news/2014/10/28/dei-delitti-contro-la-persona.12/12/2020>

ماده ۱۲۴ قانون مجازات روسیه:

[https://www.legislationline.org/download/id/4247/file/RF\\_CC\\_1996\\_am03.2012\\_en.pdf.12/12/2020](https://www.legislationline.org/download/id/4247/file/RF_CC_1996_am03.2012_en.pdf.12/12/2020)

و ماده ۶-۲۲۳ قانون مجازات فرانسه:

[https://www.legislationline.org/download/id/3316/file/France\\_Criminal%20Code%20updated%20on%2012-10-2005.pdf.12/12/2020](https://www.legislationline.org/download/id/3316/file/France_Criminal%20Code%20updated%20on%2012-10-2005.pdf.12/12/2020)

۱. قسمت اول و دوم ماده ۳۱۴ دومین اعلامیه در زمینه مسئولیت مدنی در امریکا.

(*Restatement (Second) of Torts, available at: https://dogbitelaw.com/legal-briefs/restatement-of-torts. 12/12/2020*)

2- Korn v. Tamiami Trail Tours, Inc., 108 Ga. App. 510, 516, 133 S.E.2d 616, 621 (1963); Continental Southern Lines, Inc. v. Robertson, 241 Miss. 796, 800, 133 So. 2d 543, 544-45 (1961);-

3 -Anderson v. Atchison, T. & S.F.R.R. Co., 333 U.S. 821, 822-23 (1948); Hunicke v. Meramec Quarry Co., 262 Mo. 560, 585, 172 S.W. 43, 54 (1914).

4 -L.S. Ayres & Co. v. Hicks, 220 Ind. 86, 95, 40 N.E.2d 334, 337 (1942).

5 -Pirkle v. Oakdale Union Grammar Sch. Dist., 40 Cal. 2d 207, 213, 253 P.2d1, 4 (1953).



متعارف برخورداری از منافع رابطه و یا تحقق نتایج مطلوب، نیازمند تعامل و سطحی از مشارکت جهت زمینه‌سازی اجرای تعهد طرف مقابل است، تعهد به نجات را توجیه‌پذیر می‌کند. وضعیتی که انعقاد قراردادها، مصداق عیان آن محسوب می‌شود.

### ۲-۳. آغاز داوطلبانه نجات

اگر شخصی به شکل داوطلبانه اقدام به نجات دیگری کند باید اقدام‌های مزبور را به درستی و با دقت نظر انجام داده و به پایان برساند در غیر این صورت، به‌ویژه اگر زیان‌دیده نسبت به اقدام‌های مزبور اعتماد کرده باشد و یا قصور در اتمام نجات بر میزان زیان افزوده و موقعیت خطرناک را تشدید کند، شخص دارای مسئولیت خواهد بود<sup>۱</sup> (Eisenberg, 2002: 562).

### ۳-۳. منع دیگری از یاری رساندن

اگر کسی با اطلاع از اقدام‌های یاری‌رسان دیگری، مانع از اقدام‌های او شود یا خود باید اقدام به نجات کند و یا دارای مسئولیت خواهد بود (White, 2002: 509).

### ۴-۳. وجود کنترل و نظارت نسبت به شخص خطرآفرین

اگر شخصی نسبت به افراد خطرآفرین دارای نظارت و کنترل باشد و شخص تحت کنترل خطری برای سایرین ایجاد کند، سرپرست متعهد به نجات خواهد بود (Hayden, 2000: 34). به‌عنوان مثال روان‌درمان‌گر متعهد است در مورد اقدام‌های خطرناک بیمار به اطرافیان او هشدار دهد و در غیر این صورت برای رفع خطر دارای تعهد به نجات است.<sup>۲</sup>

۱. ماده ۳۲۷ دومین اعلامیه مسئولیت مدنی امریکا.

2. Tarasoff v. Regents of the Univ. of Cal., 17 Cal. 3d 425, 431, 551 P.2d 334, 340, 131 Cal. Rptr. 14, 20 (1976). Compare Lipari v. Sears, Roebuck & Co., 497 F. Supp. 185, 194-95 (D. Neb. 1980)

#### ۴. مبانی تعهد به نجات در روابط قراردادی

اصلی‌ترین تمایز حقوق قراردادها با سایر زمینه‌های اعمال تعهد به نجات، وجود رابطه حقوقی بین طرفین است که از نظر عرف، به‌عنوان منبع اصلی تعیین مسئولیت قابل انکار نیست؛ بنابراین قرارداد را می‌توان زمینه وجود رابطه خاص به‌عنوان مبنای تعهد به نجات دانست. افزون بر این، با پذیرش تعهد به حسن نیت در تمام مراحل مذاکره، انعقاد و اجرای قرارداد، قاعده تعهد به نجات در برخی فروض قراردادی توجیه‌پذیر می‌کند (Eisenberg, 2002: 692). از مفهوم «تقصیر مشترک (نسبی)»<sup>۱</sup> نیز برای اثبات تعهد به نجات در این فرض استفاده شده است؛ بر مبنای این مفهوم که از دهه هفتاد میلادی در حقوق امریکا مطرح شد و امروزه در روابط قراردادی نیز رواج یافته است، به جای تحمیل تمام مسئولیت به شخصی خاص، می‌توان بر اساس مشارکت و نقش‌آفرینی افراد مرتبط اقدام به تحلیل و تعیین مسئولین کرد. بر این اساس تعهد به مراقبت متعارف برای تمام اشخاص قابل اعمال است و اگر شخصی قادر به کاهش و یا جلوگیری از بروز خسارت بوده اما بدون علت موجه از آن امتناع ورزیده است نیز دارای مسئولیت خواهد بود و قادر به مطالبه زیان حاصل از ترک این اقدام نیست (Porat, 2009: 1398). در روابط قراردادی اگرچه اجرای تعهد اصالتاً با متعهد است؛ اما متعهدله نیز باید سهم و نقش خود را در تعامل و مساعدت برای اجرای قرارداد ایفاء کند. او نیز باید در توان خود زمینه اجرای قرارداد و یا کاهش خسارات را در حد مقدور فراهم آورد نه اینکه فرصت‌طلبانه، به انتظار نشیند تا نقضی صورت گیرد و او با بی‌عملی، از جبران خساراتی بهره‌مند شود که قادر به جلوگیری از بروز آن‌ها بوده است (Eisenberg, 2018: 141).

این تحلیل را می‌توان مصداقی از حسن‌نیت و قابل تطبیق با مبانی فقهی دانست؛ اگرچه تعریف مستقلی از حسن‌نیت در فقه مطرح نشده و بر همین اساس تعیین

1. Contributory Negligence.

الزام‌های حقوقی بر اساس آن با تردیدهایی مواجه است؛ اما وجود روایات متعدد<sup>۱</sup> لزوم انجام رفتار صادقانه در تمام مراحل انعقاد و اجرای قرارداد را ثبات می‌کند (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۱۱). همچنین می‌توان گفت منبع اصلی در تعیین مصادیق این صداقت قراردادی، انجام رفتار متعارف و معقول است به نحوی که شخص رفتاری کند که انتظار دارد دیگران در موقعیت مشابه در قبال او انجام دهند (سیمائی صراف، ۱۳۹۳: ۵۴). البته از آنجا که در فقه اسلامی حسن‌نیت در قالب یک نظریه عمومی طرح نشده است، نظر به مراتب فوق و با توجه به اینکه نقطه مقابل آن یعنی سوءنیت جایز نیست، باید در هر مورد خاص و بر اساس شرایط و اوضاع و احوال با احراز سوءنیت حکم به تحقق تقصیر به عنوان یک مفهوم عرفی کرد. این تحلیل، متعارف و منطقی بودن انتظارات طرفین قرارداد را رسمیت داده و آن را به عنوان مبنایی در ایجاد الزام رفتاری به کار می‌گیرد (قنوتی، حیدری سورشجانی و کریمی، ۱۳۹۸: ۲۰).

علاوه بر مبانی پیش‌گفته، ضرورت دفع ضرر به میزان مقدور<sup>۲</sup> در فقه اسلامی نیز به عنوان یک قاعده عقلانی پذیرفته شده است (داودی، ۲۰۰۹: ۱۲۰). این مبنا در روابط قراردادی نیز قابل انطباق است. مواد ۲۵۲<sup>۳</sup> و ۸۳۳<sup>۴</sup> قانون مدنی ایران بازتاب‌دهنده همین دیدگاه‌اند، زیرا در هر دو ماده ملاحظه غیرموجه، موجب اضرار به دیگری شده است در نتیجه قانون‌گذار تداوم چنین وضعی را مجاز ندانسته و برای پایان دادن به آن حق فسخ و الزام قضایی را پیش‌بینی کرده است. این تحلیل اثبات می‌کند اضرار در

۱. مانند حدیث نبوی «...إذا بعث فأحسنى ولا تغشى...» و مجموع احادیث منع تدلیس و غش در معامله. (حرماملی، ۱۴۰۹: ۹۳).

۲. الضرر یدفع بقدر المقدور

۳. لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تأخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد مشارالیه می‌تواند معامله را به هم بزند.

۴. ورثه موصی نمی‌تواند در موصی به تصرف کند مادام که موصی له رد یا قبول خود را به آن‌ها اعلام نکرده است. اگر تأخیر این اعلام موجب تضرر ورثه باشد حاکم موصی له را مجبور می‌کند که تصمیم خود را معین کند.

چنین موقعیتی نامشروع بوده، مشمول قاعده لاضرر قلمداد شده و مجال طرح تعهد به نجات را در حقوق ایران فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

### ۵. مصادیق اعمال تعهد به نجات در روابط قراردادی

اگرچه ارائه فهرستی جامع و احصایی ممکن نیست، اما بر اساس مبانی مطرح شده و با اتکا به پرونده‌های حقوقی نمونه‌های زیر در مورد اجرای قاعده تعهد به نجات در روابط قراردادی، قابل ذکر است:

#### ۵-۱. سکوت در مقام قبول

نفس سکوت را نمی‌توان مصداق قبول ایجاب قلمداد کرد (ماده ۲۴۹ قانون مدنی) مگر اینکه شرایط و اوضاع و احوال به گونه‌ای باشد که سکوت نشان از قبول ایجاب قلمداد شود. به‌عنوان مثال اگر بدون هیچ رابطه‌ای، شخصی به شما پیام دهد خریدار خودروی شما به قیمت تعیین شده است و تصریح کند سکوت‌تان به معنی پذیرش عقد است، بی‌تردید سکوت شما چنین معنایی نخواهد داشت و هیچ الزامی به شکستن سکوت وجود نخواهد داشت، زیرا حتی با فرض بروز خسارت به علت سکوت، آنچه حاصل شده است نتیجه توقع نامعقول پیشنهاددهنده است و شما به‌عنوان مخاطب هیچ مشارکت و نقشی در ایجاد آن نداشته‌اید؛ اما اگر سکوت مسبوق به رابطه‌ای است که رفتار متعارف و منطقی اقتضای شکست سکوت را می‌کند، تعهد به نجات اعمال شده و مخاطب باید مخالفت خود را بیان کند. به‌عنوان مثال در یک پرونده در امریکا<sup>۲</sup> مطرح شد اگر یکی از شرکا، اقدام به تعمیر و یا ساخت‌وسازهایی در مال مشترک کند که برای

۱. در حقوق امریکا لزوم استرداد مال در ایفای ناروا نیز از مصادیق تعهد به نجات در روابط غیر قراردادی قلمداد شده است، زیرا نفس نگاهداری مال و عدم استرداد آن به مالک در حالی که شخص به راحتی با اطلاع دادن مالک می‌تواند مانع از اضرار او شود، از نظر عرفی منطبق با معیار رفتار متعارف نیست (Eisenberg, 2002: 693). ماده ۳۰۱ قانون مدنی ایران با این تحلیل قابل انطباق است.

2. Day v. Caton, 119 Mass. 513 (1876).

شریک دیگر متضمن نفع و فایده است، در حالی که شریک دیگر از این اقدامها مطلع بوده و یا بایست که مطلع بوده باشد و در زمان تعمیرات مخالفتی نکرده است، متعهد به پرداخت سهم خود از مجموع هزینهها است، زیرا وقتی یکی از شرکا ملاحظه می‌کند شریک دیگر به توقع پرداخت هزینه مشترک اقدام به تعمیرات مؤثر و دارای نفع مالی می‌کند سکوت به معنی رضایت و پذیرش انجام اقدامها در ازای پرداخت سهم مشترک است (Eisenberg, 2018: 137). در این فرض وجود رابطه حقوقی مبتنی بر شراکت چنین رفتار منطقی را اقتضا می‌کند که شخص، شریک خود را از موقعیتی که مبتنی بر اشتباه است رهانیده و از این طریق مانع از تداوم اقدامهای اشتباه او شود. در نمونه‌ای دیگر<sup>۱</sup> شخص متقاضی اقدام به تکمیل فرم شرکت بیمه‌گر برای مطالبه بیمه کرد و بیمه‌گر، بدون علت موجه نسبت به پذیرش یا رد درخواست سکوت کرد. دادگاه با تحقق خسارت حکم به مسئولیت بیمه‌گر داد، زیرا متقاضی به شکل متعارف و با اعتماد به تقاضای خود، از ارائه درخواست به بیمه‌گری دیگر خودداری کرده بود و در مقابل بیمه‌گر برخلاف رفتار متعارف و معقول، با سکوت خود زمینه انعقاد قرارداد با شرکت بیمه دیگر را از متقاضی سلب کرده بود. در ایران ماده ۱۹ «قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» مقرر می‌دارد: «هرگونه قصور یا تقصیر بیمه‌گر یا نماینده وی در صدور بیمه‌نامه موضوع این قانون رافع مسئولیت بیمه‌گر نیست». مفاد این ماده را می‌توان هم‌راستا با تحلیل فوق و برخی متون قانونی<sup>۲</sup>، دانست، زیرا قصور یا تقصیر در صدور بیمه‌نامه مفهومی است که شامل فرض تأخیر بلاوجه در صدور آن نیز خواهد شد. تأکید ماده بر مسئولیت بیمه‌گر نشان می‌دهد فرض قانون‌گذار در جایی است که بر مبنای ظواهر امر، مسئولیتی برای بیمه‌گر وجود ندارد اما به علت بروز قصور یا تقصیر، چنین مسئولیتی به حکم قانون محقق شده است. در واقع بیمه‌گر می‌بایست منطبق با رفتار متعارف قصد خود مبنی بر عدم انعقاد

1. Compare Bellak v. United Home Life Ins. Co., 211 F.2d 280 (6th Cir. 1954)

۲. در مورد لزوم رعایت زمان متعارف در اعلام اراده بنگرید به ماده ۲۰۷-۲ قانون متحدالشکل تجاری امریکا.

بیمه را به صراحت اعلام می‌کرد تا متقاضی بیمه فرصت انعقاد بیمه با سایرین را از دست ندهد؛ بنابراین، مسئولیت بیمه‌گر به علت تأخیر بلاوجه و مداخله در صدور بیمه‌نامه، به معنی تداوم وضعیتی بی‌سرانجام و در انتظار گذاشتن طرف دیگر، منطبق با ماده مزبور و سازگار با پذیرش مبانی تعهد به نجات در این فرض خواهد بود.

#### ۵-۲. قبول با تأخیر

در رویه قضایی امریکا بیان شده است<sup>۱</sup> اگرچه ایجاب باید در مهلت معقول و منطقی مورد قبول قرار گیرد و قبول خارج از مهلت به تحقق عقد منجر نخواهد شد، اما اگر مخاطب ایجاب برخلاف واقع تصور می‌کند ایجاب را در مهلت مقرر قبول کرده و ایجاب‌دهنده از این تصور خلاف واقع مطلع باشد باید سپری شدن مهلت متعارف و بی‌اعتبار بودن قبول را به طرف مقابل اعلام کند تا از انجام هزینه‌های دیگر جلوگیری شود. در غیر این صورت مسئول جبران خسارات خواهد بود. در این فرض با اطلاع ایجاب‌دهنده از تصور خلاف واقع مخاطب، موقعیتی زیان‌بار برای ایجاب‌شونده ایجاد می‌شود، زیرا او به اشتباه تصور می‌کند که با قبول ایجاب، عقد به طرفیت او منعقد شده است و بر همین اساس هزینه‌هایی را نیز متحمل می‌شود. این درحالی است که ایجاب‌دهنده با اطلاع از این وضعیت، بدون تحمیل هزینه و به راحتی می‌تواند مخاطب را از انقضای ایجاب و عدم تحقق عقد مطلع کند. پذیرش مبانی تعهد به نجات، بی‌عملی یا بی‌تفاوتی ایجاب‌دهنده را در چنین وضعیتی مغایر با حسن‌نیت و رفتار متعارف قلمداد کرده و بر همین اساس پایان چنین وضعیتی را از طریق اطلاع دادن به مخاطب ایجاب، ضروری می‌داند.

1. Phillips v. Moor, 71 Me. 78 (1880); Kurio v. United States, 429 F. Supp. 42, 64 (S.D. Tex. 1970); Forbes v. Bd. of Missions of Methodist Episcopal Church, S., 110 P.2d 3, 9 (Cal. 1941); Sabo v. Fasano, 201 Cal. Rptr. 270, 271-72 (Cal. Ct. App. 1984); Davies v. Langin, 21 Cal. Rptr. 682, 685-86 (Cal. Ct. App. 1962); Restatement (Second) of Contracts § 70.

### ۳-۵. انعقاد یا فسخ عقد با فعل

اگر به موجب توافق طرفین مقرر شود فعلی خاص نشان از قبول و یا فسخ عقد باشد، انجام فعل مزبور باید به اطلاع طرف مقابل رسانده شود تا به واسطه عدم اطلاع و انجام اقدام‌های معارض، هزینه‌ای به شخص مقابل تحمیل نشود<sup>۱</sup> (ماده ۵۴ اعلامیه دوم مسئولیت مدنی امریکا). بدیهی است اعمال قاعده تعهد به نجات در این فرض، ماهیت یک‌طرفه بودن این اعمال حقوقی را تغییر نمی‌دهد یعنی بدون اطلاع طرف مقابل نیز اثر حقوقی فعل مورد نظر واقع می‌شود، اما می‌توان به واسطه ترک رفتار منطقی و متعارف، حکم به جبران خسارات و هزینه‌هایی کرد که به واسطه عدم اطلاع به دیگری وارد شده است (Eisenberg, 2018: 14).

### ۴-۵. تعهد به اخطار مبنی بر احتمال نقض

اگر متعهدله متوجه شود متعهد بدون سوءنیت احتمالاً قرارداد را نقض می‌کند، به موجب قاعده تعهد به نجات موظف است نسبت به احتمال نقض قرارداد هشدار دهد.<sup>۲</sup> این اقدام، مصداق رفتار متناسب قراردادی است که علاوه بر کاهش تعداد دعاوی و منازعات حقوقی، زمینه نقض قرارداد به علت سوءبرداشت را تقلیل خواهد داد. همین تحلیل در مورد احتمال بروز ضرر نیز مطرح شده است؛ به‌عنوان مثال اگر به موجب توافق تجهیزات فنی خاصی خریداری شود تا با تجهیز آزمایشگاه متناسب، مشارکت در فروش محصول تحقق یابد، طرفی که از عدم تجهیز متناسب آزمایشگاه مطلع شده است، به موجب قاعده تعهد به نجات، متعهد است موضوع را به اطلاع طرف دیگر برساند.<sup>۳</sup>

1. Bishop v. Eaton, 37 N.E. 665, 668 (Mass. 1894); Restatement Second § 54.

2. Market Street Associates Ltd. Partnership v. Frey, 941 F.2d 588 (7th Cir. 1991).

3. Hadley v. Baxendale, (1854) 156 Eng. Rep. 145, 151; 9 Ex. Ch. 341, 355.

### ۵-۵. تعهد به تعامل

بروز شرایط غیرقابل پیش‌بینی در زمان اجرای تعهدهای قراردادی نیز می‌تواند زمینه اعمال تعهد به نجات باشد؛ نظر به اینکه قرارداد با چشم‌اندازی از شرایط احتمالی زمان اجرای آن منعقد می‌شود و با توجه به لزوم تعامل طرفین برای اجرای صحیح قرارداد، تغییر شرایط می‌تواند زمینه الزام به نجات را فراهم آورد.

به‌عنوان مثال در یک قرارداد حمل و نقل مقرر می‌شود کالا در تاریخ مشخص حمل شده و به مقصد موردنظر برسد. اگر صاحب کالا از مسدود شدن مسیر تردد به علت ریزش کوه مطلع شود در حالی که متصدی حمل و نقل از این امر آگاهی نیافته است، بر اساس تعهد به نجات صاحب کالا متعهد به آگاه کردن طرف مقابل خواهد بود و الا خسارات حاصل از تأخیر رسیدن کالا قابل مطالبه نیست.<sup>۱</sup> در این فرض صاحب کالا می‌توانست با صرف کمترین زمان و هزینه، به راحتی مسدود شدن جاده را به متصدی اطلاع دهد اما با امتناع بلاوجه، اجرای قرارداد را از کارآمدی و تناسب دور کرده است. در واقع با رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها و لزوم افزایش ثروت و ارزش مالی<sup>۲</sup> نیز، چنین تعهدی قابل توجیه است (Eisenberg, 2018: 147).

### ۵-۶. تعهد به ابهام‌زدایی یا رفع اشتباه

ممکن است یکی از طرفین در فهم و برداشت از اظهارات طرف مقابل دچار اشتباه شود و با اعتماد و اتکا بر همان تصور نادرست، اقدام به صرف هزینه و آماده‌سازی شرایط اجرای قرارداد کند. اگر طرف مقابل از بروز چنین اشتباهی مطلع شود و با ملاحظه اقدام‌های متعهد برای صرف هزینه، بروز برداشت ناصواب را اطلاع ندهد تعهد به نجات را نقض کرده است (Eisenberg, 2018: 148).

1. Mkt. St. Assocs., Ltd. P'ship v. Frey, 941 F.2d 588, 595-96 (7th Cir. 1991).

2. Wealth Maximization.



## فرجام سخن

اگرچه همچنان می‌توان قاعده اولیه در حقوق را عدم تعهد به نجات سایرین دانست؛ اما اثر قاطع داوری عرف و رواج مبانی جمع‌گرایانه به تدریج از اطلاق قاعده کاسته و بر مصادیق استثنائات آن افزوده است. در رویکرد نوین، در تمام مواردی که شخص قادر است به آسانی و بدون صرف هزینه زیاد با اقدام مؤثر خود، دیگری را از موقعیت خطیر برهاند، متعهد به نجات است و از نظر عرفی نمی‌توان او را از تقصیر مبرا دانست. وجود رابطه قراردادی یا پیش‌قراردادی بین طرفین را می‌توان یکی از زمینه‌های وجود تعهد به نجات دانست، زیرا ارتباط بین طرفین سطح توقعات و انتظارات متقابل را افزایش می‌دهد و حقوق مادامی که این انتظارات، منطقی و معقول باشد به آن رسمیت می‌بخشد. در نگاه جدید، متعهدله صرفاً ناظری بی‌تأثیر در فرآیند اجرای قرارداد نیست و او نیز باید منطبق با رفتار یک انسان متعارف و معقول به قدر توان خود از بروز نقض تعهد و یا خسارت حاصل از آن جلوگیری کند؛ بنابراین ضروری است تعامل و مشارکت طرفین علاوه بر زمان انعقاد قرارداد، در زمان اجرای آن نیز تداوم یابد. در غیر این صورت داوری عرفی، توان ممانعت از بروز نقض عهد و عدم به‌کارگیری آن را نادیده نخواهد گرفت. این رویکرد علاوه بر تقویت مسئولیت‌پذیری در تعاملات قراردادی، به‌عنوان مصداقی از حسن‌نیت، کارآمدی اجرای قرارداد را نیز افزایش می‌دهد که در نتیجه آن در صورت نقض قرارداد به این علت، شخص قادر به مطالبه خسارات نخواهد بود.

در حقوق ایران با اتکا به مبانی کلامی فقه و نمونه‌هایی که به شکل پراکنده در قانون مدنی و سایر قوانین بیان شده است، ظرفیت طرح و پذیرش تعهد به نجات در فروض خاص وجود دارد. افزون بر این، از آنجا که نجات طرف دیگر قرارداد، نفع خود شخص نجات‌دهنده را نیز به شکل غیرمستقیم محقق می‌کند، مفاد این قاعده مستقل از مفاهیم و قواعدی چون احسان است. توجیه‌پذیری الزام شخص به نجات در چنین موقعیتی بر مبنای تحلیل رفتار یک انسان متعارف و منطقی به قصد اجرای

قرارداد در موعد مقرر و به تأخیر نیفتادن اجرای آن است؛ بنابراین اعتبار آن در روابط قراردادی فراتر از محظورات اخلاقی قابل تأیید است و از رهگذار مفاهیمی چون منع سوءنیت و لزوم به‌کارگیری صداقت قراردادی با ضوابط فقهی منطبق می‌کند. مزیت این رویکرد، استفاده از ظرفیت قانون ایران مبنی بر تحلیل تقصیر بر اساس داوری عرف است. در واقع محاکم با پذیرش رویکرد عرفی در احراز سببیت و توجه به مفهوم اجتماعی تقصیر می‌توانند حکم به تعهد به نجات در فروض خاص قراردادی نمایند، اما تنقیح مبانی مرتبط به‌عنوان بحثی ضابطه‌مند از نظر قانونی و تبیین اصل و مصادیق استثنای آن می‌تواند در ابهام‌زدایی از موضوع مؤثر افتد و هم‌سو با قوانین سایر نظام‌های حقوقی، به‌عنوان نمونه‌ای از متابعت حقوق قراردادهای ارتکازات عرفی قلمداد شود. در وضعیت موجود رویه قضایی قادر است به‌عنوان امری موضوعی، عدم نجات طرف قرارداد را به‌مثابه ترک اقدام مؤثر در جلوگیری از بروز نقض قراردادی به‌عنوان مصادیقی از تقصیر و احراز سببیت عرفی قلمداد کند و از این طریق مسئولیت متعهدله در زمینه‌سازی برای اجرای قرارداد را به رسمیت شناسد.

## منابع

### الف. فارسی

استورات میل، جان (۱۳۹۵) رساله درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲) فرهنگ عناصرشناسی، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶) الفارق، چاپ اول، تهران: گنج دانش.

زمانی، مجتبی و سهیل طاهری، پژمان پیروزی، علیرضا مظلوم رهنی (۱۳۹۹) «نگرش انتقادی به مفهوم ضرر غیرمستقیم»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۳،

صص ۲۳۳-۵۵۱.

- سیمائی صراف، حسین (۱۳۹۳) «بررسی تطبیقی حسن نیت در فقه، حقوق خارجی و اسناد بین‌المللی»، آموزه‌های فقه مدنی، دوره ۶، شماره ۱۰، صص ۵۱-۷۴.
- شعاریان، ابراهیم و یوسف مولائی (۱۳۹۲) «شرایط و موانع اعمال قاعده تقلیل خسارت»، پژوهش حقوق خصوصی، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۵-۶۴.
- شعاریان، ابراهیم و یوسف مولائی (۱۳۹۰) «تعهد همکاری متعهدله در اجرای قرارداد»، حقوق خصوصی، سال اول، شماره ۲، صص ۱۰۹-۱۳۸.
- صادقیان، مهدیه و دیگران (۱۳۹۹) «نظریه نجات در حقوق امریکا و تحلیل مبانی آن در حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۱۲۱-۱۴۳.
- طباطبایی، سید حسین (۱۳۹۳) «قاعده احسان و مجرای آن در نظام حقوقی ایران»، فقه و حقوق، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۱۹.
- علیزاده، مهدی (۱۳۸۴) «مبانی اصل حسن نیت و رفتار منصفانه در قراردادها»، الهیات و حقوق، سال ۵، شماره ۱۵ و ۱۶، صص ۹۶-۱۲۷.
- غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۸۷) مسئولیت مدنی ناشی از ترک نجات جان دیگری، چاپ اول، تهران: میزان.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۷۸) «مسئولیت مدنی ناشی از ترک فعل (تقصیر از نوع فعل سلبی یا ترک فعل)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۳، صص ۴۱-۶۴.
- قنواتی، جلیل، مژده حیدری سورشجانی و حسین کریمی (۱۳۹۸) «متعارف بودن به‌مثابه اصل حقوقی در حقوق قراردادها»، حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۳-۲۸.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶) الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳) روش تجربی تحقیق در حقوق، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸) فلسفه حقوق، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، چاپ سوم، تهران: نقش و نگار.
- لاک، جان (۱۳۹۲) دو رساله حکومت، ترجمه فرشاد شریعت، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.

محمدپور، سعید (۱۳۹۹) *مسئولیت اخلاقی در قرآن و حدیث*، چاپ اول، قم: بوستان کتاب.

موحد، محمدعلی (۱۳۹۹) *تأملات در باب حقوق و شریعت، تاریخ و سیاست*، چاپ اول، تهران: کتاب پارسه.

میرشکاری، عباس و افروز صمدی (۱۳۹۵) *اصول اروپایی حقوق مسئولیت مدنی*، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

نصوری، مزدک (۱۳۹۸) «قاعده احسان و نقش آن در معافیت از جبران خسارت»، *شبکه*، دوره ۵، شماره ۳، صص ۹۱-۱۰۰.

یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۵) *قواعد عمومی مسئولیت مدنی*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: میزان.

یوسفزاده، احمد، رستمزاد اصلی، سروش، میریان، ایمان (۱۳۹۹) «بررسی تطبیقی تعهد متعهدله به همکاری در اجرای تعهد در فقه و حقوق ایران و قراردادهای تجاری بین-المللی»، *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، سال ۸، شماره ۱، صص ۲۶۱-۲۸۸.

#### ب. عربی

حر عاملی، محمد (۱۴۰۹) *تفصیل الوسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، مجلد ۱۷، الطبعة الثانی، قم: موسسه آل البیت (ع).

داودی، عبدالقادر (۲۰۰۹) *القواعد الکلیه و الضوابط فی فقه الاسلامی*، الطبعة الاولى، بیروت: دار ابن حزم.

#### ج. انگلیسی

Anne, Beverly (1984) "The Duty to Rescue in California: A Legislative Solution", *Pacific Law Journal*, Vol. 15, No. 4, pp. 1261-1290.

Barr, James (1908) "Law and Morals", *Harvard Law Review*, Vol. 22, No. 2, pp. 97-115.

Bauhn, Per (2011) "The Extension And Limits Of The Duty Rescue", *Public Reason Journal*, Vol. 3, No. 1, pp.39-49.

Carter, McCall (2010) "Morality, Law and the Duty to Act: Creating A Common Law Duty To Act Modeled After The Responsibility To Protect

- Doctrine”, **Washington University Jurisprudence Review**, Vol. 2, No. 1, pp. 138- 164.
- Dingwall, Gavin, Gillespie, Alisair (2008) “Reconsidering The Good Samaritan: A Duty To Rescue?”, **CAMBRIAN Law Review**, Vol. 39, No. 2, pp. 26- 39.
- Eisenberg, Melvin, (2002) “The Duty to Rescue in Contract Law”, **Fordham Law Review**, Vol. 71, Issue, 3, pp. 647-694.
- Eisenberg, Melvin, (2018) **Foundational Principles of Contract Law**, New York: Oxford University Press.
- Franklin, Mark, Ploeger, Matthew (2000) “Of Rescue And Report: Should Tort Law Impose A Duty To Help Endangered Persons Of Abused Children?”, **Santa Clara Law Review**, Vol. 40, No. 4, pp. 991-1026.
- Grush, Eric (1998) “The Inefficiency of the No-Duty to Rescue Rule And A Proposed Similar Risk Alternative”, **University of Pennsylvania Law Review**, Vol. 148, No. 3, pp. 881-900.
- Hayden, Angela (2000) “Imposing Criminal And Civil Penalties For Failing To Help Another: Are Good Samaritan Laws Good Ideas”, **New England International and Comparative Law Annual**, Vol. 6, No. 3, pp. 27-46.
- Hayman, David (2005) “Rescue without Law: An Empirical Perspective on the Duty to Rescue”, **University of Illinois College of Law, Law and Economics Working papers**, No. 32.
- Hayman, Steven (1994) “Foundations of the Duty of Rescue”, **Vanderbilt Law Review**, Vol. 47, No. 1, pp. 673-755.
- Justin, Robert (1983) “Beyond Good Samaritans and Moral Monsters: An Individualistic Justification of the General Legal Duty to Rescue”, **UCLA Law Review**, Vol. 31, No. 2, pp. 252-293.
- Kelly, David (2010) “A Psychological Approach to Understanding the Legal Basis of the No Duty to Rescue Rule”, **B.Y.D Journal of Public Law**, Vol. 14, No. 3, pp. 271-293.
- Kemp, Kemp (1985) “The Duty to Rescue- Compulsion or Laissez Fair”, **Comparative and International Law Journal**, Vol. 18, No. 1, pp. 163- 186.
- Kuklin, Bailey (2016) “Peril Invites Rescue: An Evolutionary Perspective”, **Hofstra Law Review**, Vol. 35, No. 1, pp. 171-215.
- Lifshitz, Shahar (2008) “Distress Exploitation Contract: In the Shadow of No Duty To Rescue”, **North Carolina Law Review**, Vol. 86, No. 2, pp. 315- 378.
- Miller, David (2020) “The Nature and Limits of the Duty to Rescue”, **Journal of Moral Philosophy**, Vol. 17, No. 7, pp. 320-341.
- Porat, Ariel (2009) “A Comparative Fault Defense in Contract Law”, **Michigan Law Review**, Vol. 107, No. 3, pp. 1397-1412.

- Prentice, Robert (1985) "Exposing the Duty to Rescue", **Suffolk University Law Review**, Vol. XIX, No. 2, pp. 15-54.
- Ray, Shalini (2020) "The Law of Rescue", **California Law Review**, Vol. 108, No. 4, pp. 619-677.
- Reckseen, Don (1972) "The Duty to Rescue", **Indiana Law Journal**, Vol. 47, No. 2, pp. 321-330.
- Ripstein, Arthur (2000) "Three Duties to Rescue: Moral, Civil and Criminal", **Law and Philosophy Journal**, Vol. 19, No. 6, pp. 751-779.
- Romohr, Philip (2006) "A Right/Duty Perspective on the Legal and Philosophical Foundations of the No Duty to Rescue Rule", **Duke Law Journal**, Vol. 55, No. 5, pp. 1025-1057.
- Scordato, Marin (2008) "Understanding the Absence of A Duty to Responsibility Rescue in American Tort Law", **Tulane Law Review**, Vol. 82, No. 3, pp. 1447-1503.
- Silver, Jay (1985) "The Duty to Rescue: A Reexamination and Proposal", **William and Mary Law Review**, Vol. 26, No. 1, pp. 422-448.
- Uelmen, Amelia (2017) "Where Morality And Law Coincide: How Long Obligations Of Bystanders May Be Informed By The Social Teachings Of Pop Francis", **Seattle University Law Review**, Vol. 40, No. 3, pp. 1359-1415.
- Weinrib, Ernest (1980) "The Case for A Duty to Rescue", **The Yale Law Journal**, Vol. 90, No. 2, pp. 247-293.
- White, Christopher (2002) "No Good Deed Goes Unpunished: The Case for Reform of the Rescue Doctrine", **Northwestern University Law Review**, Vol. 97, No.1, pp. 507-546.
- Woozley, Daniel (1983) "Duty to Rescue; Some Thoughts on Criminal Liability", **Virginia Law Review**, Vol. 69, No.7, pp. 1273-1300.